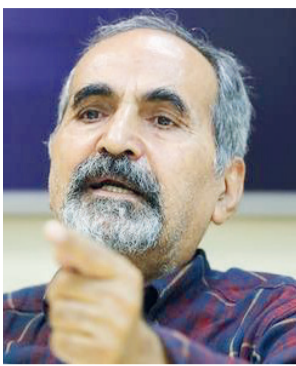


هشدارهای آزادارمکی :

خزانه خالیست ، دلار نداریم، ترامپ دارد می‌آید، این ها چه ربطی به فیلترینگ دارد؟!



گروه سیاسی -آزادارمکی در پاسخ به اینکه واکنش‌ها به رفع فیلترینگ ناشی از نگرانی این است که چون قیمت دلار به حدود ۸۰ هزار تومان رسید، حاکمیت به این نتیجه رسید که باید گشایش‌هایی در مورد فیلترینگ اتفاق بیفتد تا افکار عمومی به سمت دیگری برود؟گفت: این دو پدیده متفاوت است و باهم شروع نشده و منطقی شروع آنهاهم یکی نیست. تقی آزادارمکی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در مورد رفع فیلترینگ و اعتراض‌ها گفت:اگر اقلیت صاحب قدرت باشند، محل اشکال است. یعنی هیچ وقت در هیچ جامعه طبیعی، اقلیت حاکم نمی‌شود؛ اقلیت همیشه در اقلیت باقی می‌ماند و مثلا نظرات انتقادی و اعتراضی دارد و خودش را بازسازی می‌کند. تقی آزادارمکی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران درمورد رفع فیلترینگ و اعتراض‌ها گفت:اقلیت نمی‌تواند برای اکثریت تصمیم بگیرد، طبیعی است که وقتی اقلیت به هر شکلی و با هر شیوه، نیت و هدفی به جای اکثریت تصمیم بگیرد، جامعه را مضمحل کرده است. یعنی فی الواقع ساحت طبیعی جامعه را از بین برده و از یک اکثریتی که می‌توانستند زندگی کنند هم حق زندگی را می‌گیرد و در مشارکت جمعی اختلال ایجاد می‌کند.

گزیده گفته های تقی آزادارمکی در ادامه می‌آید:

«در هر جامعه طبیعی یک اقلیت معترض نسبت به همه چیز وجود دارد. یعنی ما باید پذیریم که حوزه مدنی جامعه ایران همیشه با یک جمع معترض خدقلی مواجه باشد و امکان ندارد در یک جامعه همه موافق با هر چیزی باشند و لذا به نظر من این نشانه طبیعی بودن جامعه است و نباید شما این را بد بدانید؛ چیز بدی نیست.

«اگر اقلیت صاحب قدرت باشند، محل اشکال است. یعنی هیچ وقت در هیچ جامعه طبیعی، اقلیت حاکم نمی‌شود؛ اقلیت همیشه در اقلیت باقی می‌ماند و مثلا نظرات انتقادی و اعتراضی دارد و خودش را بازسازی می‌کند و سعی دارد که اندیشه خودش را اشاعه بدهد تا به اکثریت دست پیدا کند. این نحوه گسترش ایده‌های اقلیت به جامعه گسترده‌تر و فراگیر است. ولی اینکه یک اقلیتی با هر ظرفدی مثل رانت، زور، حيله، تجاوز یا خطاکاری قدرت را در دست گرفته، دیگر حق نادیده گرفتن نظر اکثریت را ندارد.

«ما باید به یک بحث دیگری برگردیم و ببینیم واقعا افکار عمومی و اکثریت جامعه چه چیزی را می‌گوید و اقلیت جامعه چه چیزی را می‌گوید. اینکه کدام درست می‌گویند و کدام غلط می‌گویند، الان از دایره تصمیم و سیاستگذاری خارج می‌شود. ما چون مثلا اکثریت به این می‌رسند که واسطی آپ با تلگرام نباید فیلتر باشد؛ به خاطر اینکه منفعت و کسب و کارش آنجاست.

«اقلیت نمی‌تواند برای اکثریت تصمیم بگیرد. وقتی اقلیت تصمیم می‌گیرد یعنی دادی یک نوع دیکتاتوری اعمال می‌کند؛ حتی اگر بهترین و صالح‌ترین آدم‌ها اقلیت باشند، این دیکتاتوری اقلیت حتی خوب علیه یک اکثریت غیر خوب می‌شود. به نظر من این خلاف عقل مدرن بشری است و قطعاً شرح همین نظر را دارد.

«طبیعی است که وقتی اقلیت به هر شکلی و با هر شیوه، نیت و هدفی به جای اکثریت تصمیم بگیرد، جامعه را مضمحل کرده است. یعنی فی الواقع ساحت طبیعی جامعه را از بین برده و از یک اکثریتی که می‌توانستند زندگی کنند هم حق زندگی را می‌گیرد و در مشارکت جمعی اختلال ایجاد می‌کند.

«ما در دوره جدید مشکل مشارکت داریم. جامعه دیگر حاضر نیست گروه‌های سیاسی را حمایت کند و حتی به کاندیدای اصلاح طلب رأی بدهد، به خاطر همان است که فضای مشارکتی مورد هجوم قرار گرفته است. اگر اکثریت دارد خطا می‌کند، هزینه‌اش را می‌دهد و بعد خطا نخواهد کرد ولی باید اجازه داد که جامعه خطا کند. یعنی اکثریت باید خطا کند و هیچ اقلیتی، ولو اقلیت صالح، حق ندارد برای اکثریت تصمیم بگیرد؛ باید اجازه بدهد که خطا کند تا یاد بگیرد تا تاریخی به یک آگاهی برسد و دیگر از این خطاها نکند.

«ما در جامعه جدید داریم زندگی می‌کنیم که گوناگون است و تنوع و علائق وجود دارد. جامعه دپروز نیست که یک مجموعه آدم‌ها آگاه نبودند و یک اقلیت دانای قدرتمند برای آنها تصمیم می‌گرفت. نمی‌گویم کار درستی بود ولی داشت اتفاق می‌افتاد. ولی امروز دیگر جامعه این طور نیست. اگر جامعه اکثریتی می‌کند، بر اساس آگاهی خطا می‌کند و شما نمی‌توانید جلوی آنها را بگیرید و حق تصمیم را از اینها بگیرید.

«پس نتیجه عمده‌ای که پیش می‌آید این است که این جامعه را از حق انتخاب دور می‌کنیم و حق مشارکت و حق تصمیم را از آن می‌گیریم و می‌خواهیم یک جامعه منفعل، ضعیف و تابع بسازیم و آن وقت این جامعه در فرآیند دموکراسی، توسعه، عدالت، مقابله با دشمن و حتی اشغال سرزمینی هم مقاومت نمی‌کند. یعنی الان ما در مرحله اشغال سرزمینی هستیم ولی اکثریت باید به اشغال سرزمینی تن ندهند. یک اقلیتی تصمیم می‌گیرند که آنها چه کار کنند و آن وقت فردا تن نمی‌دهند و بعد ممکن است اشغال سرزمینی هم پیش بیاید و سرزمین ایران مورد سؤال قرار بگیرد.

«وقتی که شما حق انتخاب را از اکثریت می‌گیرید، اجازه نمی‌دهید تصمیم‌گیری کنند و در خطا شرکت کنند، در حق هم شرکت نخواهند کرد.

مثلا امروز به اکثریت می‌گویید که شما حق استفاده از فضای مجازی را ندارید؛ برای اینکه من اقلیت صالح مدعی هستم که خلاف منفعت تو است. این اکثریتی که امروز حق انتخاب می‌گیرد او را می‌گیرد، در یک انتخاب دیگر هم تن نمی‌دهند و موافقت یا مقابله نمی‌کنند.

«سرزمین وقتی توسط بیگانه اشغال می‌شود که اکثریت بی‌اعتنا باشند، توجه نکنند و نهنمند که منفعت آنها است. اگر حق انتخاب را از اکثریت بگیرد، ممکن است امروز در یک خطایی جلوی او را بگیرد. در ثواب هم دیگر شرکت نمی‌کند، منفعل می‌شوند و به حاشیه می‌روند.

«در تاریخ ما نگاه کنید، دوره‌هایی مستبدان به جای جامعه تصمیم‌گرفته‌اند و موقعی که بحران‌ها پیش آمده، دیگر جامعه آماده نبوده که مشارکت کند؛ و بعد اشغال سرزمینی پیش آمده و بخش اعظم سرزمین از این کشور رفته و سرمایه‌ها از این کشور رفته‌اند. آن جایی که روسیه بخش اعظم کشور را تصاحب می‌کند چه زمانی است؟ موقعی که جامعه ضعیف شده، حق مشارکت ندارد، نمی‌تواند تصمیم بگیرد و الا قیام می‌گردند و مثلا نمی‌گذاشتند که قفقاز از ایران جدا شود یا مقاومت می‌کردند و بعد از اشغال دوباره بر می‌گشتند.

«وقتی که ما آنها را از قدرت تصمیم‌گیری خارج کردیم و حق مشارکت به آنها ندادیم، در این جاها خطا می‌کنند و خطاهای آنها علیه ملت، فرهنگ، دین، اخلاق، سیاست و استقلال در می‌آید.

«(در پاسخ به اینکه واکنش‌ها به رفع فیلترینگ ناشی از نگرانی این است که چون قیمت دلار به حدود ۸۰ هزار تومان رسید، حاکمیت به این نتیجه رسید که باید گشایش‌هایی در مورد فیلترینگ اتفاق بیفتد تا افکار عمومی به سمت دیگری برود؟) این دو پدیده متفاوت است و باهم شروع نشده و منطقی شروع آنها هم یکی نیست. اصلا این طور نیست که پزشکيان بخشی از فیلترینگ را رها کرده به خاطر اینکه دلار دارد گران می‌شود. منطقی افزایش قیمت دلار این است که پول نداریم و خزانه خالی است، دلار نداریم، ترامپ دارد می‌آید، جنگ دارد شروع می‌شود و جنس ما را در دنیا کسی نمی‌خرد؛ چه ربطی به فیلترینگ دارد؟! اگر فیلترینگ آزاد بود همین اتفاق می‌افتاد. چون به نظر من تحریم ربطی به این چیزها ندارد.

سیاسی

سه شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۳، ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴، شماره ۴۶۲۶، صفحه

راه نجات کشور، حمایت کامل نظام از پزشکيان است

■ همه نیروهای سیاسی مخاطب این پیشنهاد هستند که باید آمادگی حمایت بدون قید و شرط، از پزشکيان را برای رسیدن به یک تفاهم جدی جهت عبور کشور از این وضع فراهم کنند و آقای رییس‌جمهور نیز باید قدر این حمایت را دانسته و بهترین رویکرد و توافق و وفاق را در بالاترین سطح رقم بزند. در غیر این صورت در حل هیچ کدام از مسائل کشور موفقیتی حاصل نخواهد شد.



گروه سیاسی – مشکلات و ناترازی‌های برزمین

مانده، دیگر قابل تحمل نیست. متولی اصلی رفع اغلب این مشکلات نیز دولت‌ها به نمایندگی تام‌الاجتیار از حکومت هستند. ولی این اشتباه را نکنند که گمان کنند مسوولیت این مساله فقط متوجه دولت‌ها است و حکومت و ساختار سیاسی می‌تواند خود را امراز مسوولیت بداند.

حکومت از نظر مردم و به درستی یک کل یکپارچه است. حکومت مثل یک تیم است. در برد و باخت آن ممکن است بازیکن خاصی اشتباه نماید، یا خوب‌تر از انتظار بازی کند، ولی این تیم است که می‌برد یا می‌بازد. کسی نام بازیکن را در بُرد یا باخت ثبت نمی‌کند. هیچ بازیکنی در یک تیم به تنهایی بازنده، یا برنده محسوب نمی‌شود و برعکس.

بنابراین ما یا تیم حکومت رویرو هستیم و نه بازیکنان گوناگون آن؛ و به ویژه در شرایط جدید که همه بازیکنان از جمله دولت، تحمیلی نیستند، بلکه انتخاب صاحب تیم هستند.

اولین اولویت اتحاد و انسجام درون‌ساختاری است. بدترین عاملتی که می‌تواند از یک تیم یا حکومت به بیرون منحایر شود، شکاف و اختلاف داخلی است. نمی‌تواند ورزشی با اظهارات اختلاف‌انگیز درون تیم به‌شدت برخورد می‌کنند. کوچک‌ترین بدگویی یا انتقاد عمومی، تیم را دچار چالش می‌کند. حالا چگونه است که این مساله به این سادگی در ایران فهمیده نمی‌شود، خدا می‌داند. در ایران پیام‌هایی که بیانگر شکاف بلکه ستیز درون‌ساختاری است فراوان مخابره می‌شود و عجیب اینکه سطح برخی از سیاستمداران آن‌چنان پایین و سخیف است که حتی نمی‌توانند این اختلافات را از دید دیگران پنهان کنند و آگاهانه و عامدانه بر آتش آن می‌دمند. هر گونه برنامه‌ریزی در ایران با وجود چنین شکاف‌های عمیق درون‌ساختاری غیر ممکن است. خودروی برنامه‌ریزی ایران راننده ندارد؛ یا اگر هم راننده‌ای باشد، مهار اجزای آن در دست او نیست.

مهم‌تر از همه اینکه مقصد سفر نیز معلوم نیست، با اتفاق نظر نسبت به آن وجود ندارد. تعداد مسافران آن اضافه بر ظرفیت هستند. سوخت کافی هم ندارد. خلاصه با این خودروی نمی‌توان رانندگی کرد و مسالم به جایی رفت. همچنان که در دو دهه گذشته نتوانسته است.

چه باید کرد؟

ابتدا باید موضع خود را نسبت به آقای پزشکيان روشن کنیم. معتقدم که هر کسی می‌تواند نسبت به او انتقادی داشته باشد. این مساله مهمی نیست، نه تنها نسبت به وی که به همه دیگران هم انتقادهایی وارد است. ولی در مجموع می‌توانیم به پزشکيان اعتماد کنیم. به چند دلیل مشخص. اول از همه اینکه آنچه که می‌گوید صداقت دارد. ممکن است همه حرف‌های راست را نزنند، ولی دروغ هم نمی‌گوید. حرف‌های راست را هم باید از فاصله میان خطوط کلمات او پیدا کرد. دوم اینکه در بن‌دین صندلی نیست؛ یا نبوده است

اعلام شود و آقای پزشکيان هم آن را به مردم و طرفداران خود منتقل کنند.

تردید ندارم که پزشکيان بیش از هر کس دیگری ایسن وضعیت خطیر را درک می‌کنند. این وضعیت نیز محصول سیاست‌های گذشته است. پس اولین اقدام باید تغییر رویکردی باشد.

در گام دوم باید مقصد معین شود. در اسناد رسمی مقاصد خوبی نوشته شده است، ولی مشکل آنجاست که این مقاصد خوب لزوما در جهت هم‌افزایی یکدیگر نیستند. مثلا هدف رشد ۸ درصدی و کاهش تورم با برخی اهداف دیگر به ویژه در سیاست خارجی تطابق ندارد. مشکل اینجاست که اگر تعداد اهداف خوب زیاد باشد، همه آنها بی‌اعتبار می‌شوند. باید یکی – دو هدف معین را تعیین کرد و سایر مولفه‌ها را برای تحقق آنها تنظیم و هماهنگ کرد. همه خوبی‌ها با هم جمع نخواهند شد. باید آمادگی کافی برای پذیرش و پرداخت هزینه‌های این اهداف را داشت.

رسیدن به هدف بدون هزینه ممکن نیست. بنابراین سر هم کردن تعدادی از اهداف خوب و قابل قبول به عنوان هدف، نه تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه زیانبار هم هست. زیرا اهداف باید محدود و دارای اولویت باشند. اهداف با اولویت کمتر را می‌توان و می‌باید قربانی اهداف با اولویت بالاتر کرد. در گام‌بعدی باید راننده این خودروی برنامه‌ریزی معلوم شود. اینگونه نیست که هر کس گوشه‌ای را به تصرف خود در آورده، و جزایر مستقلی را تشکیل دهد. آقای پزشکيان حتما بهتر از خیلی‌ها می‌داند که اتفاقات و اعتراضات سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ چگونه شکل گرفت و چه کسانی آتش بیار معرکه بودند. این گروه‌ها عملا نقش تخریبی فراوانی دارند. باید از سطوح بالای قدرت مساله آنان راحل کرد. منافع آنان پایان‌ناپذیر است.

در همین مصوبه رفع فیلترینگ از اتس‌ا، عملا امتیاز اصلی خود را که تداوم نیاز مردم به فیلترشکن بود گرفتند و همچنان بازار فیلترشکن رواج دارد.

برنامه‌ریزی در ایران نمی‌تواند معطل جلسات پایان‌ناپذیر و کم‌اثری مثل شورای عالی فضای مجازی باشد، بیش از ۱۰۰ شورای عالی وجود دارد که در عمل جز معطل کردن امور، کار دیگری نمی‌کنند. گمان نکنید که همه این اتلاف وقت‌ها آگاهانه است. اصولا این نظام اداری بسیار بی‌جان است. نگاهی به برخی از وزرای خودبکنید تا ببینید چگونه متعلاانه ساکت هستند، یا حتی از ترس تندرودها در برابر یک شادی کودکانه که خیلی طبیعی و حتی مثبت است واکنش عجیب و غیر معقولانه‌ای از خود نشان می‌دهند.

آقای پزشکيان تاکنون مجبور شده که در چند مورد به گرمای بیش از حد محیط اداری یا روشن بودن لامپ‌های ادارات شکایت کنند؛ حتی در یک مورد وزیر مخاطب اعتراض به جای آنکه شرم‌منده این وضع شود طلبکار هم شده است. ظاهرا مساله صرف‌جویی انرژی فقط مساله خود آقای رییس‌جمهور است. با این رویکردها و فضای عمومی چگونه می‌خواهید رویکرد موثر، تفاهم و وفاق جمعی یا وحدت مدیریت و راهبری ایجاد کنید؟ خلاصه اینکه همه نیروهای سیاسی مخاطب این پیشنهاد هستند که باید آمادگی حمایت بدون قید و شرط، از پزشکيان را برای رسیدن به یک تفاهم جدی جهت عبور کشور از این وضع فراهم کنند و آقای رییس‌جمهور نیز باید قدر این حمایت را دانسته و بهترین رویکرد و توافق و وفاق را در بالاترین سطح رقم بزند. در غیر این صورت در حل هیچ کدام از مسائل کشور موفقیتی حاصل نخواهد شد. تمام نتایج رفع فیلترنک باید حساب کار را به دست دولت داده باشد که ۵ماده معطل‌هیج برودید و در آخر هم چند تا مورتوسوار مملکت را معطل خود خواهند کرد. بدین‌ان تم تفاهم هم محتاتنا اتفاقات خوبی را می‌توان ایجاد کرد، ولی اینها بسیار جزئی و ناپایدار خواهد بود و با کوچک‌ترین توفان‌ها نیز از میان خواهد رفت.

ثابتی نماینده مجلس:

همه باید به پزشکيان کمک کنیم تا موفق شود

آن هر ساله به مناسبت‌های مختلف با راهپیمایی و حضور خیابانی و میدانی و… از آن حمایت کنند و این پیشپیمانی‌ها هم فقط یک علت کار دارند؛ اسام. نماینده مردم تهران در مجلس در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: اسامال جریان انقلاب تنها با فاصله دو میلیون رأی انتخابات را واگذار کرد اما هیچ آشوب و بلوایی به راه نفتاد اما جرانی هرگز بروز نکرد؛ در دولت حضور دارند. سال ۸۸ با فاصله بیش از ۱۱ میلیون رأی انتخابات را واگذار کردند اما آن جنایت‌ها را در حق مردم و نظام رانداختند. نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه همه باید به دولت کمک کنیم تا موفق شود، اظهار کرد: طرح استیضاح پزشکيان به فاصله ۵ ماه از شروع به کارش جز بی‌نتیجی کشور دست آورد و این ۴۷ سال باعث غلبه بر دشمنان شده، همراهی و ایستادگی مردم در برهه‌های مختلف بوده که ۹هج سال ۸۸ یک نمونه آن بود. وی افزود: در دیدج کجای دنیا هیچ نظام سیاسی جز جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد که میلیون‌ها نفر از مردم

یادداشت…

آری به افزایش اختیارات استان‌ها؛ صحبت عارف، صحیح است

رضا غیبشاهی

کارشناس رسانه

محمدرضا عسارف معاون اول رئیس‌جمهوری در نخستین جلسه شورای عالی اداری در دولت جدید گفته بود: از دید دولت وفاق ملی، استاندار، رئیس‌جمهور استان است. این موضوعی است که به آن اعتقاد داریم. دولت، در این دوره تا مرزها و دروازه‌های استان می‌آید و از آن به بعد، جز در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی، که در دولت تصمیم‌گیری

می‌شود، استان خودش تصمیم می‌گیرد. ما در صحبت با استانداران به آنها گفتیم که آمادگی داشته باشند پیشنهادهای خود را در رابطه با واگذاری اختیارات دولت به استان‌ها، به ما بدهند البته که ما دنبین مقتضیات هر استان با دیگری متفاوت است و مقتضیات استان مرزی که باید با کشورهای همسایه قرارداد ببندد و مراده داشته باشد با استانی دیگر در مرکز متفاوت است. از دید دولت چهاردهم استاندار در استان، صاحب رأی و تصمیم‌باید باشد و یک مجلس کوچک در استان شکل بگیرد.

چند نکته:

– محتوای سخنان عارف، افزایش و تقویت اختیارات استانداران و واگذاری بخشی از اختیارات از مرکز به استان‌هاست. این اتفاق خوبی است و باید از آن حمایت کرد.

– تعدادی و جمع‌هایی با انتشار هر خبر و برنامه‌ای از افزایش اختیارات استانداران و استان‌ها، فریاد واکشوار سرمی‌دهند و آن را فرها به تجزیه‌ربط می‌دهند. در حالی که مشخص نیست افزایش اختیارات استانداران و استان‌ها چه ارتباطی به تجزیه‌ه دارد؟ اگر واقعا ارتباطی هست در این صورت تقسیم بندی کشور به استان و شهرستان و بخش راهم باید کنار گذاشت. به نظر می‌رسد این افراد دو جمع‌ه‌ه‌فویایی تجزیه‌ه ایران را دارند. در حالی که مشخص نیست ریشه و دلیل این نگرانی نیست؟ آیا ایران کشوری مستعد تجزیه‌ه است؟ خیر. آیا ایران در معرض تجزیه‌ه است؟ خیر. آیا ایران سابقه تجزیه‌ه دارد؟ خیر. آیا ایران کشوری تا این حد مست و تجزیه‌ه پذیر است که با افزایش چند در صدی اختیارات استان‌ها و استانداران، تجزیه‌ه شود؟ حتما خیر. پس دلیل چیست که این جماعت هرگاه ایده‌های برای تقویت استانداران و استان‌ها مطرح می‌شود چماق ترس از تجزیه‌ه طلبی را بالا می‌برند تا هر پیشنهادکننده و مدافع افزایش اختیارات استان‌ها و استانداران را به عقب نشینی و سکوت وادار کنند. خواه سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری اسبق باشد که گفته بود "مطلوب‌ترین شیوه حکومت مردمی اداره فدرالی است" یا محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهوری

در دو دولت که در برنامه واگذاری برخی اختیارات و مسولیت‌ها از دولت به استان

ها خیر داده است. جالب اینکه هر دو از استاندار پرد در مرکز ایران هستند و سال‌ها در

سلسله مراتب اداری و اداره کشور تا بالاترین سطح حضور داشته‌اند.

نتکه اینکه درباره لزوم تمرکز زدایی و افزایش اختیارات استان‌ها، تقریبا میان دو جناح، هسویی وجود دارد. در جناح اصولگرایان هم محسن رضایی، مبتکر ایده فدرالیسم اقتصادی است و در جناح اصلاحیاب هم از تقویت ادارات محلی حمایت می‌کند و پایان‌نامه فکریایش با عنوان "حکومت محلی" در قالب کتاب منتشر شده است. به نظر می‌رسد چماق انگ‌نگی به این و آن به‌نام تجزیه‌ه بالا برده شده تا هر اقدامی برای تمرکز زدایی در اداره کشور، خشتی شود. خواه تشکیل مناطق در دولت خاتمی باشد یا تلاش برای تقویت استان‌ها در دولت پزشکيان. مشخص نیست تا چه زمانی به دلیل فیلد یوتی‌وب، ترس برخی، منافع دولت و مردم ایران باید قربانی شود و همچنان در اصلاح سیستم فعلی اداره کشور متوقف شویم. این نیز از شانس مردم ایران است که وقتی صحبت از آزادی سیاسی و انتخابات و دموکراسی می‌شود با

ترس و فویایی جماعتی کنده و رو می‌شوند که آن را به غرب‌گرایی و آزادی‌جنسی و هرج و مرج مرتبط می‌کنند و هر گاه سخن از افزایش اختیارات استان و استانداران می‌شود جماعتی دیگر چماق ترس از تجزیه‌ه را بلند می‌کند. مشخص نیست مردم این سامان تا کی باید ترس نه‌ترس این جماعت را ببردازد؟

–ایران کشوری بزرگ به لحاظ مساحت و جمعیت است با تنوع بالای فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی، دینی، زبانی و نژادی. در چنین شرایطی، تمرکز زدایی از اداره کشور و افزایش اختیارات استان‌ها و استانداران به یک انتخاب، بلکه لازم است. حتی اگر کشوری به لحاظ مساحت و جمعیت هم کوچک باشد باز هم تمرکز زدایی در اداره کشور، بهترین گزینه ممکن است. این طبیعی است که هر منطقه ایران با ویژگی‌ها و شرایط اختصاصی خود، مسائل و دغدغه‌های خاص خود را دارد. استانداران اگر از اختیارات لازم برخوردار باشند از توان بیشتر و بهتری برای رسیدگی و حل مسائل و مشکلات برخوردار خواهند بود. یک استان، ساحلی است و استان دیگر محصور در خشکی. استانی سردسیر و کوهستانی است و استان دیگر گرمسیر و جلگه‌ای. استانی کشاورزی است و دیگر استان، صنعتی. این مسائل می‌تواند طیف گسترده‌ای از موضوعات در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را شامل شود اما پیش از هر چیز این نبود اختیارات ازاد در حوزه اقتصادی و فرهنگی نشان می‌دهد. یک نمونه را باید در مناطق آزاد اقتصادی دید که با همه مشکلات اما نسبتب به مناطق نزدیک و پیرامون خود از رونق و فعالیت اقتصادی بیشتری برخوردار هستند.

– به جرات می‌توان گفت هیچ کشور توسعه یافته و پیشرفته‌ای در جهان، با تمرکزگرایی در دولت و اداره کشور، همراه نیست. اگر فهرست بزرگترین اقتصادهای جهان با اعضای گروه لا و ابررسی می‌کنیم در می‌یابیم در اکثر این کشورها با سیستم بالآخر از فدرالیسم (چین و روسیه و بریتانیا) برقرار است یا فدرالیسم (آمریکا و هند و آلمان و برزیل و کانادا) و یا ماناطق و استان‌ها دارای اختیارات بالا (ژاپن، فرانسه و ایتالیا). حتی در همسایگان ایران هم رونق اقتصادی از آن کشورهایی هست که با استان‌ها یا مناطق، از اختیارات بالا برخوردارند. هیچ کشوری با سیستم متمرکز اداری قابل اداره با کیفیت نیست که اگر بود در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته جهان به دنبال واگذاری حداکثری اختیارات و مسولیت‌ها به استان‌ها نبودند.

–سیستم اداری متمرکز و وابسته در مرکز در همه امور، یساده‌گاری دوران رضاشاهی است که با تلاش برای یکدست‌سازی و نابودی تنوع فرهنگی مردم ایران همراه بود. با وجود سرنگونی حکومت پهلوی اما متاسفانه سیستم اداری متمرکز ادامه یافت گرچه هیچ سختی با عصر جدید ندارد.

–برخی منتقدان به شکلی با افزایش اختیارات استانداران و استان‌ها مخالفت می‌کنند گوی قرار است استانداران ایرانی نباشند یا استانداران زیرمجموعه دولت مستقر نباشند. استانداران در سلسله مراتب و چارت سازمانی، زیرمجموعه وزارت کشور و در استان‌ها هم نماینده عالی دولت به‌شمار می‌آیند. آنچه محمدرضا عارف گفت دقیق‌تر و به‌جا بود. جایگاه استاندار در استان به مانند رئیس‌جمهور در کشور است. به همین دلیل، توصیف استاندار به عنوان رئیس‌جمهور استان، صحیح و معادل همان نماینده عالی دولت است. در این تعریف، تصمیم‌گیر اساسی و نهایی در استان، شخص استاندار است. همانطور که در شهر هم شهردار باید در جایگاه رئیس‌جمهور شهر باشد. اشاره عارف به پارلمان استانی هم صحیح است. چنین پارلمانی هم اکنون وجود دارد گرچه به میزان زیادی فعال نیست. در حال حاضر شورای استان‌ها که اعضای آن از میان شورای شهرستان‌ها انتخاب می‌شود وجود دارد و در جایگاه پارلمان استانی است. همانطور که شورای شهر در جایگاه پارلمان شهری است. بی‌توان حتی انتخاب استانداران را به شورای استان سپرد همانطور که انتخاب شهردار با شورای شهر است. افزایش اختیارات، به افزایش توانمندی و قدرت مدیران می‌انجامد. مدیران قدرتمند، توانایی حل مسائل و مشکلات را دارند و اگر نه در انتظار تصمیم‌گیری و صدور مجوز از مرکز بود، تنها به از دست رفتن فرصت‌ها و انتقال مشکلات از یک دولت به دولت دیگر متهمی می‌شود. وضعیتی که در بسیاری از استان‌ها شاهد آن هستیم.

صنایع چوب | حلاج کپیش کلیه سفارشات

چوبی MDF، چوبی تلفن: ۷۷۴۹۸۵۳۷

دکوراسیون غرفه و منزل